



تبیین علل عدم پذیرش ولایت حضرت علی (ع) توسط بعضی از مردم

هدایت پرس: حجت الاسلام محمد ادریسی در یادداشتی به هجده علت عدم پذیرش ولایت حضرت علی (ع) توسط بعضی از مردم پرداخته است.



به گزارش هدایت پرس؛ حجت الاسلام والمسلمین محمد ادریسی به مناسبت عید غدیر یادداشتی به شرح زیر نوشته است:

نه علی خداست نه خدا علی ست اما این را محکم باید گفت که غدیر حامل یک پیام ماندگار درباره اوست که وظیفه ما را در پایانه رسالت مشخص می کند و آن همراهی و هم نوایی با کاروان امیر غدیر حضرت علی (ع) است.

غدیر شروع درمان تدریجی دردهای اسلام و مسلمانان بوده و هست و مشکلات امروز کیفر تلخ عمل نکردن به نسخه آن روز بود.

مُبَلَّغ و مَرُوج تفرقه در هر زمان با هر زبان در هر مکان، شیطان یار است و نه الله یار، یکی از بهترین صفات انسانی در يك کلمه «وحدت» است، گریز از وحدت باعث پراکنده شدن جمع‌ها و به وجود آمدن نابرابری و نابرابری می‌شود و در حقیقت همان روی آوردن به شیطان خواهد بود و عاقبت تفرقه چیزی جز انقراض انسانیت انسان‌ها نیست.

غدیر، کهن ترین مسئله دانسته مهم بین مسلمانان است و کهنه شدنی نیست، اخیراً شاید دیده و شنیده باشید که می گویند غدیر موجب اختلاف بین شیعه و سنی است! پس آن قدر: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» را بیان نکنید گویی می خواهند مسلمانان را در اعتقاد هم مانند اقتصاد تحریم کنند و این هم عجیب و هم خنده دار است که در بعضی از شهرها و کشورهای به ظاهر اسلامی کتاب هایی که درباره غدیر است همچون جنس و مواد قاچاق بسیار نایاب و ممنوعه است و از هرکس بگیرند مجازات سنگینی در انتظار او خواهد بود.

اگر از معلمان و دانشمندان و سیاسیون و دیگران تعهد بگیرند که هرچه دلشان خواستند بگویند اما درباره سه موضوع مهم ظهور و عاشورا و غدیر صحبت نکنند این اسلام طاغوت پرور می شود و هیچ حرکت رو به جلویی نخواهد داشت.

اگر به ما بگویند که انتشار بسیاری از احادیث مستحب است باید این را به آنها گفت که انتشار حدیث غدیر واجب است چون بقا و نشر بسیاری از معارف نیازمند شناخت غدیر است.

اول شخص صاحب ولایت بعد از خدا و رسول او کسی نیست جزء شخص حضرت امیرالمؤمنین(ع) که قرار بود سه کار مهم را انجام دهد:

نخست آنکه: آنچه برای تدبیر امور لازم بود را بیان کند .

دومین کار اینکه: به امور مردمی که منفعت و مصلحت در آن است و لازم بود انجام شود با ابزار و افرادی که انتخاب می شوند رسیدگی کند.

سوم اینکه: آنچه در لایه های پنهان و باطن اسلام و قرآن هست را تبیین کند.

پس بنابراین اگر تصدی این سه کار ضرورت داشت لازم بود که مردم از او اطاعت کنند.

در عصر شبها شب را به روز می رسانیم و هرچند نرود اما با چکش و میخ و نوک قلم به سنگ و مغز آهنین می کوبیم و چند سوال و اشکال به نافین غدیر وارد می کنیم و منتظر جواب می مانیم:

اشکال اول: نافیان غدیر چگونه به دیگران این باور را برسانند که پیامبر (ص) با آن هم شفقت نسبت به مسائل کوچک و به تعبیر خودشان حتی غیر ضروری برخورد می کردند اما به مسئله بزرگی چون عدم حضور و نیاز امامت و ولایت هیچ نفرمودند؟!

اشکال دوم: آیا این قابل قبول است که گفته شود پیامبر (ص) در سیره خود وقتی می خواستند که بجایی سفر کنند جانشین انتخاب می کردند اما برای بعد از ترک همیشگی ظاهری جامعه ی اسلام که خود بنا کرده بودند جانشین انتخاب نکردند و آیا این تناقض نیست؟!

اشکال سوم: آیا انتخاب مردم با وجود سلايق مختلف و اختلاف های فراوانی که به هزار دلیل با هم دارند می تواند بهتر از انتخاب خدا و رسول (ص) باشد؟!

اشکال چهارم: آیا اگر برتر از امام علی (ع) در مسائل اجتماعی و مدیریتی و سیاسی و دیگر فضیلت ها و برتری هایی که جامعه اسلامی برای اداره خود به آن نیازمند است در کسی بود، خدا و پیامبر (ص) او را انتخاب نمی کردند و اساساً چرا حضرت به عنوان «ولی» انتخاب شد؟!

اشکال پنجم: در این زرنگ بازاری که هیچ مچی تا ابد بسته نمی ماند آنها که بر

ولایت حضرت علی(ع) در عمل و در متون خود خدشه وارد کردند آیا فکر نمی کردند که در آینده اهل فن و فرهیختگان و روشنفکران بی غرضی می آیند و تصرفات و ادعای باطلشان را رسوا می کنند؟!

اشکال ششم: اگر رسول خدا(ص) رجعت می کردند چه کسی را برای ولایت و امامت انتخاب می کردند، آیا سخن و امر و ابلاغ خود را در روز غدیر خم پس می گرفتند یا آنکه شخصی را که توسط چند نفر در سقیفه انتخاب شد را قبول می کردند؟

حال یک سوال در ذهن سبز می شود که چرا بعضی از مردم آن زمان اطاعت نکردند تا برای آنها اثبات شود که خدا و رسول(ص) اشتباه نکرده اند و امامت و ولایت کارآمد است و فقط مربوط به آخرت نیست بلکه در همین دنیا هم برای آنها سود آور است؟

ای کاش می توانستیم خط به خط کتاب های همچون عباقات الانوار و کتاب الغدیر و المراجعات و شبهای شیشاور را حفظ کنیم و بگوییم تا رد پای اراده حق تعالی درباره ولایت را که به وضوح قابل مشاهده است را درک کنیم تا بسیاری از مسائل که شبیه شبهه است برطرف شود، اما اجمالاً باید گفته شود که عدم بیان و ترک غدیر چند مطلب و معنای مختصر را به نظر می رساند :

مطلب اول: ترک غدیر یعنی متکلم بیان و ابلاغ ولایت برای حضرت علی(ع) صلاحیت نداشت که او را از طرف خدا انتخاب و برای ولایت تعیین کند.

مطلب دوم: ترک غدیر یعنی پیامبر(ص) اجازه نداشت برای آیندگان از طرف خدا تصمیم بگیرد.

مطلب سوم: ترک غدیر یعنی نباید به هیچ یک از کتاب های تاریخ و نویسندگان آن اعتماد و اعتنا کرد چون همه آنها دروغ نویس هستند.

مطلب چهارم: ترک غدیر موجب استخفاف کتاب خداست.

مطلب پنجم: ترک غدیر موجب کتمان تعالیم قرآن است.

مطلب ششم: ترک غدیر یعنی یک غیر معصوم بهتر از معصوم(ع) است.

مطلب هفتم: ترک غدیر یعنی از هر نظر خلیفه اول و دوم و سوم سقیفه بیشتر حضرت علی(ع) بود.

مطلب هشتم: ترک غدیر یعنی پیشگام تر از حضرت علی(ع) در اسلام آوردن و

یاور آن شدن وجود داشت اما انتخاب نشد.

عدم پذیرش ولایت بعد از غدیر توسط بعضی از مردم چند احتمال و علت دارد که بعد از تحقیق دقیق خودشان را به ما نشان می دهد که برخی از آنها را در اینجا مطرح می کنیم:

علت اول:علاقه به رسم و رسوم جاهلیت باعث شد که بعضی از مردم ولایت را نپذیرند.

علت دوم:چون حضرت علی (ع)با کفار و منافقان جنگید سبب شد آنها علیه او در جامعه آن زمان جوسازی کنند.

علت سوم:مردم به استعباد و برده گی اعتقادی کورکورانه عادت کرده بودند برای همین تن به ولایت ندادند.

علت چهارم: توسط اشخاص داخل در مسلمان که با نفوذ بودند وحسود اجازه داده نمی شد که غدیر و ولایت علی(ع) توسط مردم دیده شود.

علت پنجم:هنوز برای آنها سلطنت قداست داشت و نگاه به خارج از مرزهای اسلام سبب شد که آماده برای پذیرش ولایت نشوند.

علت ششم:کم کاری یاران و صحنه گردانها در فعالیت های تبلیغاتی باعث عدم ظهور و بروز شایسته ولایت حضرت علی (ع)شد.

علت هفتم: به دوش نگرفتن وجشن فرارگیر نگرفتن بعد اعلام خبر غدیرسبب فراموشی کسانی شد که در آن روز مهم حضور داشتند.

علت هشتم:عدم همراهی و کتمان تدریجی بسیاری البته نه همه زنان بعد از واقعه غدیر.

علت نهم:نه همه اما بسیاری از شعرا و نویسندگان آن زمان در انتصار ولایت کوتاهی کردند.

علت دهم:به نماز و روزه و نذر و اطعام فقرا برای این عید بزرگ آنگونه که باید باشد اهمیت داده نشد.

علت یازدهم:شایعات سبب شده بود که بعضی از مردم باور کنند که قرار است برخلاف منافع و مصالح آنها کارهایی صورت بگیرد.

علت دوازدهم: مناظرات علمی برای رفع شبهات احتمالی توسط وفاداران عالم حاضر در آن زمان برگزار نشد.

علت سیزدهم: خلف وعده بعضی از مردم به رسول (ص) برای پایبندی به امر ولایت صورت گرفت.

علت چهاردهم: مرجعیت سیاسی اهل بیت (ع) در کنار مرجعیت علمی و تشریحی تبیین نشده بود.

علت پانزدهم: ایجاد ترس در دل پیروان احتمالی ولایت حضرت امیر المومنین علی (ع) با انواع ابزارهای ممکن صورت گرفت.

علت شانزدهم: حذف و ترور شخصیتی و فیزیکی شیعیانی که قائل و استوار در ولایت بودند.

علت هفدهم: قومیت گرایی بجایی اسلام گرایی سبب شد هرکس ساز خود را بزند و زیر پرچم واحد ولایت نباشند.

علت هجدهم: ملاقات های مخفیانه بعضی از به اصطلاح بزرگان مدعی ریش سفیدی با هم نتیجه اش این شد که گفتند بعد از شناخت مقام امامت و جانشینی که قرار است به چه کسی برسد قبول می کنیم اما بعد انکار می کنیم و زیر بار نمی رویم و خودمان یک نفر را انتخاب می کنیم که حافظ منافع ما باشد و شد آنچه نباید می شد.

خلاصه اینکه ، غدیر دعوت مردم به توحید است . صحت نشر غدیر با سبک های ویژه یک ضرورت برای وحدت سازی است و لزوم پیروی از اهل بیت (ع) بر هیچ صاحب خرد مسلمانی پوشیده نیست چون دلایل محکم دارد که هم عقلی و هم نقلی و هم وجدانی است و سوال ها و اشکال ها به نافیان غدیر بسیار است و با کمی مطالعه و تفکر و تدبر این را درک می کنیم و اینکه ولایت نه فقط در آخرت بلکه در این دنیا هم سود آور است و ادب و انصاف و فتوت اقتضا می کند که صاحب ولایت را در جایگاه خودش باشد نه بالاتر و نه پایین تر.